

الحمد لله الذي تفرّد بالكبرياء وتوحد بالنداء وتعظم بالاسم الذي كان سلطان الأسماء ...

حضرت بهاء الله

نسخه اصل فارسی



از الواح حضرت بهاء الله - بر اساس نسخه موجود در "کتابخانه آثار بهائی" در مرکز جهانی بهائی
- شماره ۳۲

حبيب مكرم جناب آقا محمد باقر عليه بهاء الله و عناياته ملاحظه فرمايند هم

من ارض ن و ر

هو الأقدس الأعظم العليّ الأبهي

الحمد لله الذي تفرّد بالكبرياء وتوحد بالنداء وتعظم بالاسم الذي كان سلطان الأسماء أنّه هو الحاكم على ما يشاء لا اله الا هو المقتدر العليم الحكيم والحمد لله الذي انزل الكتاب وزينه بأسطر الأوامر والأحكام لينتفع بها الأنام الذين نبذوا الأوهام واقبلوا الى افق منه اشرفت شمس علم ربنا العليم الخبير أنّه ما اراد عن كلّ ما ظهر الا اظهار جوده وفضله وكرمه لعباده أنّه هو المعطي الكريم

و بعد قد بلغ كتابكم الى هذا الخادم وقرأت ما فيه و حضرت به تلقاء العرش و عرضت لدى الله العزيز الحكيم اسأل الله ان يوفقكم و يظهر امثالكم ليعترفوا بما اعترف به لسان القدم بين الأمم أنّه هو المقتدر القدير عرض اين فاني آنكه مكتوب آنجناب رسيد و فرح بي اندازه از آن حاصل چه كه نفحات محبت رحمن از آن استشمام شد انشاء الله در جميع احيان بتوفيقات حضرت رحمن موفق باشيد و بذكر سلطان حقيقي ذاكر و ناطق مناجاتيكه بساحت اقدس امع عرض نموديد عرض شد في الحين لوحى از سماء مشيت نازل و ارسال گشت انشاء الله بزيارت آن فائز شويد و بنفحات آن معطر

اينكه در باره حقوق الله ذكر نموديد و نوشته بوديد كه عبدى ملك وجه نقدى و ملكى است و حقوق الله بر حسب حكم آن در نقدى معلوم ولكن عبد كه ملك ملك است آن ملك در جائيست كه نميخرند تا حقوق الله از آن جدا شود و اگر بخواهد از نقدى بدهد كفاف نميدهد و خود عبد هم از كسب مى افتد و آئملك هم اجاره ندارد در اينصورت تكليف چيست حكم الله آنكه ملكى كه انتفاع از آن مقطوعست يعنى نفعى از آن حاصل نمى شود حقوق الله بر آن تعلق نميگيرد أنّه هو الحاكم الكريم



ORIGINAL

و اینکه در باره اسم ابن مذکور داشتید بآسی نیست ولكن در ظاهر باسم ظاهر ع بّاس حضرت غصن الله الأعظم
روحي و کينونتي لتراب قدومه الفداء نامیده شود

و اینکه در باره جناب آقا علی اکبر الّذی صعد الى الله نوشته بودید عرض شد و کلمه غفران از ملکوت بیان رحمن در
باره ایشان ظاهر طوبی له بما فاز بالذکر فی حیاته و بغفران الله و رحمته بعد مماته و صعوده

اینکه در باره جناب آقا محمد علی نوشته بودید ذکر ایشان در ساحت امنع اقدس عرض شد مناجات مختصری از سماء
مشیت الهی نازل و ارسال گشت قرائت نمایند هذه صورة ما انزله الله من سماء المشیة و الارادة

هو الأقدس الأعظم

قل سبحانک اللهم یا اله الأشياء و خالق الأسماء أسألك بالاسم الّذی به کسّرت الأصنام و زالت الأوهام بأن تغمّسني
فی بحر الايقان یا مالک الأديان ای ربّ ایدنی علی ما اردته بسلطانک و انزلته فی محکم کتابک ای ربّ هذا يوم تزینت به
صحائف الامکان و الکتب الّتی انزلته علی سفرائک و اصفیائک أسألك بأن لا تمنعني عن رشحات بحر فضلک و لا
تطردني عن الباب الّذی فتحتہ علی من فی سمائك و ارضک ای ربّ انا الضعیف تمسّکت باسمک القویّ القدير قدر لی
من فضلک ما ینفعني فی الدّنيا و الآخرة انّک انت المعطى الباذل المقتدر العزیز الحکیم انتهى

انشاء الله بقرائت این کلمات منیعۀ مبارکه که از مشرق مشیت رحمانیۀ ظاهر شده فائز و مؤید شوند

عرض دیگر آنکه نفسیکه در آن ارض و ارض نون و راء از کوثر الهی آشامیده اند و بافق اعلی ناظرند جمیع را از جانب
این حقیر فقیر تکبیر برسانید ای دوستان ای شاریان رحیق رحمت رحمن امروز روز بزرگیست قدرش عظیم و شأنش
عظیم و ما یحدث فیہ انه هو عظیم عظیم باید اوهمات نفوس غافله و ظنون هیاکل شرکیه را معدوم و مفقود ملاحظه
نمائید و از سلسبیل یقین در کلّ حین باسم مالک یوم الدّین بنوشید لسان از برای امروز خلق شده و بصر از برای این یوم
مبارک از عرصۀ عدم بوجود آمده لعمر الله امروز روز آذان و قلوبست تا ببینند و بگویند و بشنوند و در خزینۀ محفوظ
دارند بگو جهد نمائید که شاید از فیض فیاض در مثل همچو روزی محروم نمائید اگرچه الحمد لله در آن روضه گلہای
معانی باسم محبوب ابدی شکفته و ازهار بیان باسم مقصود امکان ظاهر شده ولكن باید انشاء الله در کلّ حین از اثر کلمۀ
الهیۀ نارشان مشتعل تر و نورشان باهرتر دیده شود و از سلطان حقیقی اینبعد فانی سائل است که آن گلہای محبت را از
ارباح سمومیہ و بادهای بارده حفظ نماید تا همیشه با کمال طراوت و لطافت خندان باشند انه هو العزیز الکريم البهاء علیکم و
علی من معکم و علی الذّین فازوا بعرفان الله و ايقنوا بلقائه العزیز المنیع

خادم

فی ۶ رجب ۱۲۹۶